

سقای دشت اردبیل



(به یاد سردار شهید شایور بزرگر)

خاطرات یک مهندس از سازمان بسیج سازندگی

مؤلف : مهندس ایرج فتحی جلفا



سرشناسنامه:
عنوان و نام پدید آور:

فتحی جلفا . ایرج - ۱۳۵۷
سقای دشت اردبیل: یادواره شهید شاپور برزگر / خاطراتی از ایرج فتحی
جلفا: به سفارش مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس بسیج و سپاه
حضرت عباس (ع) (بسفارش مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
بسیج و سپاه حضرت عباس (ع))

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:

اردبیل: آذر نوین، ۱۳۹۴.
۱۵۴ ص ۱۷ × ۲۵ س م.
۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۸-۱۳-۰

وضعیت فهرست نویسی:

فیبا

موضوع:

فتحی جلفا ، ایرج، ۱۳۵۷---خاطرات

موضوع:

برزگر، شاپور، ۱۳۳۶-۱۳۶۳---سرگذشتنامه

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-خاطرات

موضوع:

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-شهیدان

شناسه افزوده:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اردبیل). سپاه حضرت عباس(ع).

دفتر حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

رده بندی کنگره:

DSR ۱۶۲۸/۳۶۳۱۳۹۲

رده بندی دیویی:

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی:

۳۳۷۹۰۷۸

انتشارات آذر نوین

تألیف : فتحی جلفا، ایرج

ناشر : آذر نوین

چاپ : آذر رایان

ویراستار : سعید اطهر نیا

طراحی روی جلد : آذر نوین

تیراژ : ۱۰۱۰

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴

قیمت : ۲۰۰۰۰ ریال

۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۸-۱۳-۰

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۸-۱۳-۰

تلفن تماس ۳۳۲۴۴۰۷۷ - ۰۴۵

آشکی دوطایفه با خوردن آب بهداشتی ۴۵

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: زندگی نامه سردار شهید شاپور بزرگر	۵
بخش دوم: زندگی نامه نویسنده کتاب	۱۵
بخش سوم: سقای دشت اردبیل	۱۹
اشاره	۲۵
نحوه ورودم به سازمان بسیج سازندگی	۲۲
علت نام گذاری پروژه به نام شهید بزرگر	۲۸
حضور معلوی شهید در پروژه	۲۹
قهر طبیعت و کرامت شهید	۳۵
سقای دشت اردبیل	۳۹
آشکی دوطایفه با خوردن آب بهداشتی	۴۵
نگاه گرگ گرسنه	۴۹
این قطعه زمین مال سه پتیم است	۵۱
عاقبت دزدی تابلوها	۵۳
مکالمه با فرزند شهید بزرگر	۵۵
پیرمرد تنها	۵۶
هدیه شهید به پیرزن روستایی	۵۸
مهمان سفره شهید	۵۹
بخش چهارم: آتش ندی یا طعم زلزله	۶۱
اشاره	۶۲
مدای اذان در ویرانه‌ها	۶۳
سلام بر مدرسه	۶۵
نکته‌های شب	۶۸
آتش ندی یا طعم زلزله	۷۵
ما تا آخر مستقیم	۷۲
قلب علم در این روستا می‌زند	۷۴
منافقین از پلاک سبز می‌پرستادند	۷۶
آشکی دو برادر	۷۷
تقدیرنامه ای از لشکرخویان	۷۹
مردی یا بوی یاروت	۸۵
از جبهه تا زلزله	۸۱
تحفه جهادگران	۸۴
دربان تفرس	۸۷
سرباز فراری	۸۸
بخش پنجم: راه مکه از این روستا می‌گذرد	۹۲
اشاره	۹۱
لطف سیدآقا	۹۳
پلی برای وصل دل‌ها	۹۶
خسته نیاشی بسیجی	۹۹
راه مکه از این روستا می‌گذرد	۱۰۱
این پارک دیگر جای اس ام اس دادن نیست	۱۰۴
گوسفند ندارم اما مرغم را قربانی می‌کنم	۱۰۶

۱۰۸	امام رضا (ع) مرا طلبید:
۱۱۱	بخش هشتم: روایت فتح
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	منفعت معامله با خدا:
۱۱۴	کارمند جارو کش:
۱۱۵	روایت فتح:
۱۱۷	پاداش زخماتم در خانه خدا:
۱۱۸	داروی قلب من نگاه آن دختر بچه بود:
۱۱۹	فریاد کارساز:
۱۲۰	پیرمرد زاهد:
۱۲۱	لباس شب عید:
۱۲۲	بهترین پاداشم از جشنواره ملی:
۱۲۴	دعای مرد تابینا برای قهرمان جهان:
۱۲۵	مطب جهنمی:
۱۲۶	بخش نهم: کرامات شهدا و امدادهای غیبی
۱۳۰	اشاره
۱۳۱	این باید بروم یعنی چه؟
۱۳۱	این شاء الله عروسی دختر عمو
۱۳۲	حنای سرخ
۱۳۲	این چه راز بست؟
۱۳۳	عنایت آقا ابا عبد الله:
۱۳۳	امداد غیبی:
۱۳۴	مه غنظ:
۱۳۴	راز یک جاده:
۱۳۵	کسی هست:
۱۳۵	او زنده است:
۱۳۶	ابر مأمور:
۱۳۷	لیخد شهید:
۱۳۷	زائر امام رضا (ع)
۱۳۸	راز حضور آن کیوتر
۱۳۹	آرزو
۱۳۹	شهیدی با دو مزار
۱۳۹	حکایت اذان شهید
۱۴۰	راز آن پیشانی بند
۱۴۰	بوی عطر قبر شهید
۱۴۱	دیدن خواب
۱۴۲	منابع



مقدمه

در دنیای کنونی که برخی آدم‌ها درگیر و بند زندگی روزمره گرفتار نوعی دزدگی و تنهایی شده‌اند و افکارشان روی محور اقتصاد و ظواهر دنیایی می‌چرخد کمی سخت است در لا به لای این افکار پریشان به راحتی از موضوعات معنوی، آن هم در عصر حاضر سخن به میان آورد، امروزه این دسته از آدم‌ها کم فرصت پیدا می‌کنند تا به تربیت فرزندان خود که از اولویت‌های مهم زندگی است بپردازند چه برسد به این که همین افراد، روزانه ساعاتی هر چند کم مطالعه داشته باشند آن هم مطالعاتی در باب فرهنگ و موضوعات اجتماعی و معنوی.

بنا بر این اهالی فرهنگ و ادب باید بکوشند تا به زبانی نو و کارشناسی شده، مردم را به مطالعه مطالب جدید در باب اعتقادات و باورها ترغیب کنند. نویسندگان کتب فرهنگی وظیفه مهمی بر عهده دارند چرا که با گذشت زمان و تغییر سلاقی و شرایط زندگی، مردم کمی از فرهنگ و باورهای گذشته فاصله می‌گیرند و شایسته است که با تغییراتی در این حوزه، با سبک جدیدی از بیان خاطرات و واقعیات به سراغ افکار همیشه پرسش گر مردم رفت و آنان را با زاویه‌ای دیگر دعوت به مطالعه کرد.

زمانی که از یک شهید سخن گفته می‌شود ذهن انسان بلافاصله یاد و خاطره دوران دفاع مقدس و دلاوری‌ها و رشادت‌های آن عزیزان از دست رفته را برای ما مرور می‌کند و این درحالی است که شهدا مختص مکان یا زمان خاص نیستند و با این باور که شهدا زنده‌اند و در طول زمان جاری، باید در زمان حال نیز حضور آنان را در خلال زندگی خود درک کنیم و شایسته است که با بیان خاطرات و یا با نوشتن داستان‌های واقعی از کرامات آن بزرگواران در عصر حاضر نیز حق مطلب را درست ادا نماییم.

در بخش سوم کتاب از کرامات شهیدی سخن به میان می‌آید به نام سردار اسلام شهید شاپور بزرگر که اگر تا گذشته یاد و خاطره او را می‌شد در خاطرات هشت سال دفاع مقدس و از زبان هم‌سنگران راوی او یافت؛ اکنون کرامات این شهید با زبانی دیگر و در زمانی به غیر از آن دوران بیان می‌شود و از تأثیر معنوی نام شهید در جامعه گفته می‌شود. در بخش بعدی کتاب به نقش و جایگاه نهاد انقلابی سپاه و بسیج در قالب خاطراتی مربوط به اردوهای جهادی و محرومیت‌زدایی در مناطق محروم پرداخته می‌شود و تأثیر این خدمت‌رسانی‌ها را در عرصه‌های مختلف و در زمان حال که دشمنان اسلام در فکر شیخون فرهنگی در قالب جنگ نرم هستند به خواننده بیان می‌کند و تأثیر حضور این جوانان در مناطق محروم کشور را در راستای رفع محرومیت و زدودن چهره فقر از آن مناطق بیان می‌نماید. در بخشی دیگر از کتاب تلاش می‌شود از امور خیریه و تأثیر انجام این گونه کارها در زندگی و سرنوشت افراد جامعه، خاطراتی بیان شود و در بخش پایانی کتاب هم از کرامات شهدا و امدادهای غیبی در دفاع مقدس خاطراتی گلچین شده و مطالب سودمند و خواندنی بیان می‌شود. لازم به ذکر است که خاطرات و مطالب این کتاب اکثراً با تصویر بوده و سعی شده است در لا به لای خاطرات، تصاویر مربوط به آن نیز گنجانده شود.

امید است خاطرات، مورد رضایت دوست خوانندگان عزیز واقع گردد و اگر نقصانی در موضوعات و مطالب مشاهده شد به حساب بی‌تجربگی نویسنده در امر خاطره نویسی گذاشته شود. در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ این کتاب حمایت کرده و دلگرمی دادند خصوصاً فرمانده محترم سپاه حضرت عباس (ع) استان اردبیل برادر جلیل بابازاده قانع،



مسئول پرتلاش مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه و بسیج برادر علیرضا حسن‌زاده؛ مسئول محترم سازمان بسیج مهندسین صنعت - عمران استان و مشوق چاپ این کتاب؛ برادر ارشد عیسی پور و همچنین از مسئولین محترم شرکت آب و فاضلاب روستایی استان اردبیل؛ برادر امیرنژاد مسئول امور ایثارگران و روابط عمومی و مهندس عادل مداحی و مهندس پرندک تشکر کرده و از پدر و مادر زحمت کشم و نیز از همسر فداکارم که همیشه همراه من بوده است و با دوری‌های من در طول مدت حضورم در مناطق محروم ساخته و مشکلات را تحمل کرده، قدردانی کرده و این کتاب را به روح بلند شهید شاپور برزگر که حضورش را همیشه در قلبم احساس می‌کنم تقدیم می‌دارم.

هم‌زاد کوی‌رم تب باران دارم
در سینه دلی شکسته پنهان دارم
در دفتر خاطرات من بنویسید
من هر چه که دارم از شهیدان دارم

